

# روایت مورخان از جنگ‌های صلیبی

• دکتر محمدعلی چلونگر

عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

جنگ‌های صلیبی در تاریخ اروپا از رویدادهای بسیار مهم و بزرگ است. چون نتایج بسیار بزرگی به بار آورد. این جنگ‌ها، حدود ۲۰۰ سال بین اروپای غربی و بخشی از دنیای اسلام در گرفت و باعث دگرگونی عظیمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم مغرب زمین شد.

قبل از آن که به پاسخ روایت مورخان غربی معاصر جنگ‌های صلیبی از علل و عوامل جنگ‌های صلیبی پرداخته شود. باید گفت دنیای غرب چون آغازگر این حرکت بود، مورخان معاصر این جنگ‌ها در آنجا نسبت به مورخان دنیای اسلام بیشتر به حادثه پرداخته و علل و عوامل آن را بررسی کرده‌اند. شاید از جمله عللی که تاریخ‌نگاران مسلمان معاصر جنگ‌های صلیبی کمتر به آن پرداخته‌اند، غافلگیر شدن مسلمانان در این حملات و هجوم ناگهانی غرب علیه جهان اسلام و از طرف دیگر بسنده کردن تاریخ‌نگاران مسلمان به تاریخ‌نگاری حویلیات و بی‌توجهی به تاریخ‌نگاری موضوعات باشد. این جنگ‌های طولانی حتی نامی در زبان‌های اسلامی در آن روزگاران نیافته است. عبارت «حروب الصلیبیه» که در ادب نوین عربی در مورد جنگ‌های صلیبی بکار رفته و می‌رود، در نوشته‌های معاصر آن جنگ‌ها دیده نمی‌شود و آنان تنها واژه‌های «فرنگ» و «فرنگان» را در این پیوند به کار برده‌اند.

در نوشته‌های تاریخی مسلمانان رویدادهای جنگ‌های صلیبی به شیوه‌ای ویژه مورد توجه نبوده، بلکه بیشتر توجه مورخ به نشان دادن چهره‌ها و قهرمان‌های اسلامی درگیر در آن رویدادها بوده است. در این نوشته‌ها رویدادهای مربوط به جنگ‌های صلیبی بدون بررسی علل و عوامل آن گنجانیده شده است، رویدادهایی مانند محاصره‌ها، جنگ‌ها، قتل و غارت‌ها، آتش‌بس‌های موقت و گروگان‌گیری‌ها. ولی آیا این فرنگان که بودند و آداب، رسوم، تاریخ، فرهنگ، اندیشه و شیوه‌ی زندگی آنان چه و چگونه بود، چه عواملی آنان را به جنگ با مسلمانان گسیل داشت، آنان از کدام کشور و سرزمین آمده بودند و با مردم روم شرقی که تنها یورشگرانی بودند که سوریه تا آن روزگار می‌شناخت، چه تفاوتی داشتند؟ این پرسش‌های مهم تاریخی از جمله مطالبی است که مورخان مسلمان بدان نپرداخته‌اند. آنان بدین اندیشه توجه نکرده‌اند که پیوندهای میان فرنگان را به شیوه‌ای درست و دقیق مورد بررسی و پژوهش قرار دهند. گابریلی<sup>۱</sup> که یکی از مورخان مشهور جنگ‌های صلیبی است و مجموعه‌ای از گزارش‌های هفده تن از مورخان

Iherusalem peregrinantiam از حاضران در مجمع کلرمون فرانسه و شاهد حوادث جنگ اول صلیبی بوده است. آلبرت داکس<sup>۴</sup> از تاریخ‌نگاران آلمانی و معاصر جنگ اول صلیبی است که کتاب خود را با عنوان Historia Hierosolymitana و مشتمل بر حوادث سال‌های ۱۱۰۳ تا ۱۱۲۰ میلادی تحریر کرده است. این سه کتاب بخش کوچکی از آثار مورخان غربی معاصر جنگ‌های صلیبی است.

در آثار مورخان غربی معاصر جنگ‌های صلیبی، آن چیزی که به عنوان مهم‌ترین عامل این نبردها دیده می‌شود، تحلیل و تعلیل دینی و کیشی جنگ‌های صلیبی و اهمیت دادن نسبت به کلیسای غربی کاتولیک است. در آثار مورخان صلیبی در بحث تاریخی علل پیدایش جنگ‌های صلیبی توجه زیادی به برداشت کلیسا از ایده‌ی جنگ مقدس معطوف شده است. روایت‌های برجای مانده عمدتاً تکیه بر این مسأله دارند که جنگ‌های صلیبی، مبارزه‌ای مقدس بر ضد ساراسن‌های بی‌دین بوده است. این روایت‌ها مسلمانان را مشرک معرفی و تأکید کرده‌اند که ستیز صلیبیان با آنان بخشی از مبارزه با کافران عصر باستان بوده است. گاه پیروان اسلام را محمدپرست خوانده و گاهی خاطر نشان نموده‌اند که آنان بت‌های دیگری هم‌چون ژوپیتر و آپولو را نیز پرستش می‌کرده‌اند. همچنین از نبردهای صلیبی به عنوان عملیات تلافی‌جویانه یاد کرده و آن‌ها را مولود توهین‌هایی دانسته‌اند که ساراسن‌ها در مورد پیروان مسیح روا داشته بودند. در نوشته‌های آنان یک چیز فراتر از همه مسأله نشان داده شده و آن این است که جنگ صلیبی فقط پس از این که توجه کلیسا به نظریه‌ی جنگ مقدس جلب شده بود، امکان تحقق یافت.

این ثابت می‌کند که جنگ‌های مزبور، واقعاً جنگ‌های صلیبی بودند که عامل مذهب شعله‌آن را برافروخته بود. از دلایل اصلی وجود عامل مذهب در جنگ‌های صلیبی، جنبش بزرگ احیای مذهب است که در سده‌های دهم و یازدهم میلادی در غرب بوجود آمد و نتیجه‌ی آن احیای مذهب مسیحی در غرب و بازگشت مجدد قدرت و هیبت قدیم به کلیسا و پاپ بود، به طوری که نظارت اصلی و دقیق بر کلیه‌ی کلیسای غرب را دوباره به دست آورد. همچنین کلیسا به قدری تقویت شد که توانست کلیه‌ی امور غرب مسیحی را تحت کنترل داشته باشد. این جنبش، همچنین سراسر غرب مسیحی را با مرکز اصلی آن در روم، پیوند داد. نتیجه‌ی دیگر این حرکت برانگیختن



نقشه‌ی اولین جنگ صلیبی

مسلمان را پیرامون جنگ‌های صلیبی گردآورده است؛ بر این عقیده است که علت اصلی این که مورخان مسلمان بطور کلی این پدیده‌ی مهم تاریخی را که دنیای اسلام در آن سخت درگیر بوده ناچیز شمرده و به شیوه‌ای جامع بدان نپرداختند. همانا حس برتری جویی نسبت به غرب در سراسر قرون وسطی بوده است.

برخلاف مورخان مسلمان، دنیای غرب و مورخان آنان نسبت به این حادثه واکنش نشان داده و به‌طور ویژه به علل و عوامل و توصیف آن پرداخته‌اند. تعدادی از روایتگران جنگ‌های صلیبی خود در این جنگ‌ها حاضر بوده و از نزدیک شاهد صحنه نبرد بوده‌اند. رمون د‌اگیل<sup>۵</sup> مؤلف کتاب Histo- risa francorum qui ceperunt Iherusalem از مردان کلیسا بوده که در جنگ اول صلیبی بود. فوشه دوشارتر نویسنده Gesta Francorum

این جنگ‌های طولانی حتی نامی در زبان‌های اسلامی در آن روزگاران نیافته است. عبارت «حروب الصلیبیه» که در ادب نوین عربی در مورد جنگ‌های صلیبی بکار رفته و می‌رود، در نوشته‌های معاصر آن جنگ‌ها دیده نمی‌شود

## جنگ‌های صلیبی

از دلایل اصلی وجود عامل مذهب در جنگ‌های صلیبی، جنبش بزرگ احیای مذهب است که در سده‌های دهم و یازدهم میلادی در غرب بوجود آمد و نتیجه‌ی آن احیای مذهب مسیحی در غرب و بازگشت مجدد قدرت و هیبت قدیم به کلیسا و پاپ بود

## جنگ‌های صلیبی

می‌فرستد، صحبت اصلی وی هنوز پیرامون آزادی کلیساهای شرقی است و در آن اشاره‌ای گذرا به بیت المقدس شده است. در نامه‌هایی که در سپتامبر و اکتبر سال ۱۰۹۶ نوشته شده، بیت‌المقدس بطور کامل و به صراحت هدف به‌شمار آمده است.

انگیزه‌ی دیگری که مورخان صلیبی برای جنگ‌ها ذکر می‌کنند، تصور کلی این بود که ثواب جنگ صلیبی عفو گناهان است. آشکار است که ایده‌ی بخشودگی گناهان، فقط هنگامی واقعاً موثر افتاد که با زیارت بیت‌المقدس پیوند خورد. در قوانین مذهبی صادر شده جهت تحریک مؤمنان برای پیوستن به جنگ‌های صلیبی بیان می‌شد که هر کس فقط به دلایل مذهبی، صلیب بگیرد و در این جنگ‌ها شرکت کند از کفاره‌ی گناهانی که از طریق کلیسا بر وی تحمیل شده، آزاد می‌شود.

### روایت مستشرقان قرون اخیر از علل و عوامل جنگ‌های صلیبی

مستشرقان قرون اخیر در مورد جنگ‌های صلیبی آثار زیادی منتشر کرده‌اند و در این آثار زمینه‌های پیدایش این نبردها را از جوانب مختلف سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی و تحلیل قرار داده‌اند. درباره‌ی انگیزه‌های سیاسی جنگ‌های صلیبی مستشرقان معتقدند که انگیزه‌ی عشق به اظهار وجود و کسب منافع سیاسی، پادشاهان و حکام اروپا را به مشارکت در جنگ‌های صلیبی تشویق کرد. اکثر رهبران اروپا صرفاً به خاطر واتیکان و فشا‌های کلیسا و مردان مسیحی در جنگ‌های صلیبی شرکت کردند. زیرا تهدید شده بودند که در صورت اجرا نکردن خواست کلیسا، دستوراتی مبنی بر محرومیت آنان از نعمت‌های اخروی و تشویق مردم به اطاعت نکردن از آن‌ها در دنیا، صادر خواهد شد. فردریک بارباروسا، ریچارد شیردل، فیلیپ آگوست و فردریک دوم نمونه‌های روشنی از این مسأله بودند. از دید این مستشرقان انگیزه‌ی شرکت آنان در جنگ‌های صلیبی عشق به اظهار وجود و به‌دست آوردن نفوذ سیاسی و کسب تأثیر واتیکان بود.

عامل دیگر جنگ‌های صلیبی از دید مستشرقان تضعیف امپراطوری بیزانس بود. بیزانس به مدت هفت قرن در تقاطع راه‌های اروپا و آسیا قرار داشت و مانع تهاجم لشکریان آسیایی و اقوام چادرنشین استپ‌ها به اروپا بودند. این امپراطوری بر اثر عواملی چند در آستانه‌ی جنگ‌های صلیبی ضعیف شده بود، به‌طوری که دیگر نمی‌توانست موفق به انجام این عمل خطیر

شور مذهبی در اروپا به منظور دادن قدرت مجدد سیاسی و مذهبی به کلیسا و در نتیجه تعمیم مفاهیم مسیحیت در مؤمنان بود، به نحوی که دین محرک اصلی تفکر و عواطف مردم شد. از این‌جا بود که شعارهایی از قبیل مسیحی نباید با برادر مسیحی خود بجنگد، مطرح شد. در این شعارها گوشزد می‌شد که جنگ باید علیه مسلمانان صورت گیرد که در بسیاری از مناطق جهان به توسعه اسلام و تحقق پیروزی‌های بزرگ مشغولند. به‌دنبال آن در سده‌ی یازدهم این احساس نیرومند در مسیحیان اروپا به‌وجود آمد که باید سرزمین‌های مقدس را از دست مسلمانان نجات داد. مثلاً تا سده یازدهم میلادی، زائران مسیحی به‌صورت گروه‌های کوچک به زیارت اماکن مقدسه در فلسطین می‌رفتند، اما با فرا رسیدن سده‌ی یازدهم ظهور جنبش احیای مذهبی و افزایش شور و حماسه‌ی غربیان، کاروان‌های زائران مسیحی در گروه‌های بزرگ‌تری به فلسطین عزیمت می‌کردند.

سخنرانی آغازگر جنگ‌های صلیبی، پاپ اوربان دوم در ۲۷ نوامبر ۱۰۵۹ م در انجمن اسقف‌ها در کلرمون، مؤید دینی و کیشی بودن این جنگ است. پاپ تصویر زنده‌ای از جور و ستم بر کلیساهای مسیحی شرق مجسم ساخت. او همه را، اعم از بینوا و توانگر، با عباراتی تحریک‌کننده برای کمک به برادران مسیحی خود در شرق دعوت کرد. مستعان خطابه پاپ به خوبی منظورش را فهمیده بودند و همگی این فریاد مشهور را سر دادند که «این خواست خداست» و از آن پس بود که همه، علامت صلیب را حمل می‌کردند و با شور و اشتیاقی جنون‌آمیز برای آزادی قدس و تسلط بر شرق و تبلیغ و ترویج مسیحیت میان مسلمانان به سوی شرق اسلامی روی می‌آوردند.

در آثار مورخان غربی برای دینی جلوه دادن این جنگ‌ها، تکیه روی بعضی از حوادث فردی که در آن‌ها به مسیحیان شرق ظلمی شده بود می‌شود. این دسته نویسندگان حوادث فردی را تعمیم و گسترش می‌دهند و با تبلیغات وانمود می‌کنند که اسلام و مسلمانان به مسیحیان ظلم می‌کنند.

مسأله دیگری که مورخان غربی معاصر جنگ‌های صلیبی در علت آغاز این نبردها روی آن دست می‌گذارند، ایجاد وحدت میان دو کلیسای شرق و غرب به منظور تحقق یک هدف دینی یعنی افزایش قدرت مسیحیت برای مقاومت در برابر دشمنان بود که مسلمانان نماینده آنان بودند. گرچه فوشه شارتره که گزارش‌هایش در مورد سخنرانی پاپ در کلرمون نزدیک‌تر است، به این موضوع اشاره‌ای نمی‌کند؛ اما از نامه‌هایی که خود پاپ اوربان نوشته این مسأله به‌دست می‌آید. در نامه‌ای که پاپ اوایل سال ۱۰۹۵ م به فلمینگ

**از ابتدای تماس‌ها و برخوردهای اسلام و مسیحیت تا زمان نبردهای صلیبی، در منابع مکتوب راجع به دین اسلام جز افسانه‌های ساخته و پرداخته اربابان کلیسا، چیزی در دسترس پیروان مسیح نبود تا درست از نادرست برای آنان قابل تشخیص باشد**

## جنگ‌های صلیبی

یافتند. لذا با شور و اشتیاق به نیروهای صلیبی پیوستند. علاوه بر این، گروه زیادی از قهرمانان و دلاوران که در عصر فتودلیزم، در جنگ حرفه‌ای شده بودند، تمایل داشتند صرفاً برای اظهار قدرت در جنگ‌های صلیبی شرکت کنند تا تبدیل به قهرمانانی گردند که آوازه شهرتشان همه جهان را پر سازد.

### هم‌خوانی و هم‌ناخوانی تصویر و تصور مورخان معاصر جنگ‌های صلیبی و مستشرقان از علل جنگ‌های صلیبی

مورخان معاصر جنگ‌های صلیبی چون گرفتار تعصب بودند و نگرش حاکم بر نوشته‌های آنان تحت تأثیر این تعصب بود و اکثر نوشته‌ها در فضای روایت‌های ساخته و پرداخته اربابان کلیسا بود. اساساً از ابتدای تماس‌ها و برخوردهای اسلام و مسیحیت تا زمان نبردهای صلیبی منابع مکتوب واقعی راجع به دین اسلام جز افسانه‌های ساخته و پرداخته اربابان کلیسا، چیزی در دسترس پیروان مسیح نبود تا درست از نادرست برای آنان قابل تشخیص باشد.

نه تنها کوشش جدی به منظور خلق آثار جدید و محققانه صورت نمی‌گرفت بلکه تلاش می‌شد تا این تصورات نادرست از اسلام به عنوان مأخذ شناخت این دین برای نسل‌های آینده حفظ شود. در جریان این جنگ‌ها نیز اغلب روحانیان مسیحی هنوز اهتمام می‌ورزیدند تا تصویر نفرت‌انگیزی از اسلام ارائه دهند و هم‌چنان شناخت حقایق اسلام به عنوان یک دین دور از ذهن مسیحیان باقی بماند. این تصور و تصویر در اکثر نوشته‌های مورخان معاصر جنگ‌های صلیبی دیده می‌شود. به ندرت افرادی هم‌چون **گیوبرت نوگنت** از وقایع‌نگاران نخستین جنگ صلیبی پیدا می‌شود که اعتراف می‌کند محمد پیامبر مسلمانان است و آنان قومی یکتاپرست هستند. این نوع نگاه در بین مورخان جنگ‌های صلیبی موجب می‌شود که تصویری که ارائه می‌دهند کمتر با واقعیت‌های جنگ و جامعه مسلمانان هم‌خوانی داشته باشد.

اما باید توجه داشت که همین جنگ‌ها موجب شدند تا اروپاییان از جهات متعددی به سوی آشنایی و درک واقعیت‌های جامعه‌ی اسلامی و شرق سوق داده شدند و این مسأله باعث تغییر نگرش در بین غربیان شود. این تغییر نگرش از سال‌های پایانی جنگ‌های صلیبی در بین محققان و مورخان غربی بوجود می‌آید و در نتیجه، در میان اروپاییان اندیشه فعالیت‌های علمی قوت گرفت و کسانی مانند **ریموند اول (۱۳۱۶م)** و **پیش از وی راجر بیکن (۱۲۹۲ م)** تأکید کردند که استفاده از وسایل جنگی به منظور متوقف کردن

تاریخی شود در حالی که بلغارها، روس‌ها، و بعضی اقوام دیگر بر دروازه‌های اروپایی آن هجوم می‌بردند، ترکان مشغول تکه تکه کردن ایالات آسیایی آن بودند. ترکان سلجوقی ادسا، انطاکیه، طرسوس و حتی نیقیه را از دست بیزنسی‌ها خارج کرده بودند و از آن سوی بسفور چشم خود به قسطنطنیه دوخته بودند. امپراطور بیزانس با وجود اختلافات تاریخی با کلیسای روم و اروپای غربی سفرایی نزد پاپ اوربان دوم ارسال داشت و اروپای غربی را تشویق کرد او را در شکست دادن ترکان یاری کند. امپراطور می‌گفت که مبارزه با این جماعت در خاک آسیا عاقلانه‌تر خواهد بود تا آن که دست روی دست نهند و منتظر سیل آن‌ها از طریق شبه جزیره‌ی بالکان به پایتخت‌های اروپایی باشند.

در مورد عوامل تجاری جنگ‌های صلیبی به طور خاص اشاره به عملکرد جمهوری‌های کوچک ایتالیا واقع در ساحل شمالی دریای مدیترانه بخصوص جمهوری و نیز جنوا، پیزا می‌شود. این‌ها می‌خواستند دامنه‌ی قدرت تجاری روز افزون خود را بسط دهند. هنگامی که نورمان‌ها سیسیل را از دست مسلمانان بیرون آوردند (۱۰۶۰ - ۱۰۹۱) و لشکریان مسیحی حوزه‌ی حکومت مسلمانان را در اسپانیا کاهش دادند (از ۱۰۸۵ به بعد)، مدیترانه غربی به روی بازرگانان اروپایی باز شد. شهرهای ایتالیایی از راه بنادر صادر کننده‌ی کالاهای داخلی و مصنوعات ورای آلپ ثروتمندتر شدند و درصدد برآمدند به برتری مسلمانان در مدیترانه‌ی شرقی پایان داده، بازارهای شرق نزدیک را به روی کالاهای اروپای غربی بگشایند.

از دید برخی مستشرقان نظام فتودالی که در آن روزگار بر اروپا حاکم بود، علاوه بر ایجاد روابط سوء میان بردگان و کشاورزان با فتودال‌ها میان خود فتودال‌ها نیز روابط ناپسندی ایجاد کرده بود. جنگ‌ها همچنان ادامه داشت و هرج و مرج بر زندگی عادی اروپائیان سایه افکنده بود. بنابراین از یک سو برخی از حکام اروپایی مایل بودند که در شرق به سرزمینی تازه که حاصل خیزتر و باثبات‌تر بود، دست یابند و از سوی دیگر قوانین و مقررات وراثت فتودالی، طبقه پرجمعیتی از جوانان را به وجود آورده بود که مالک هیچ چیزی نبودند. چرا که فقط برادران بزرگ‌تر آن‌ها حق ارث داشتند. لذا این جوانان که هیچ سهمی از ارث پدر نمی‌بردند، مایل بودند به سرزمین‌های جدید و افق‌های تازه‌ای بروند تا آن‌چه نتوانسته بودند به دست آورند، در شرق جبران کنند. بردگانی هم که در سایه نظام فتودالی اروپا در مزارع کار می‌کردند، جنگ‌های صلیبی را فرصت خوبی برای رهایی از اربابان فتودال

و غربی، باختر زمین و اسلام، اروپا و آسیا جلوه‌های گوناگون مختلف این صحنه تضاد هستند. تضاد و کشمکش‌های اسلام و غرب را برخی محققان امروزی به عنوان حلقه‌ای از زنجیره برخوردهای دائم بین شرق و غرب می‌دانند که به منزله‌ی نوعی جبر تاریخ با سرنوشتی اجتناب ناپذیر است که هنوز نیز ادامه دارد.

از این مسأله که بگذریم دیدگاه مستشرقان امروزی فاصله‌گیری از آراء گذشتگان خود است. آنان عمدتاً علت واقعی را در ساختار اجتماعی و سیاسی کشورهای اروپایی جستجو می‌کنند. بر این اساس دلایلی که در مورد جنگ‌ها آمده است با واقعیت‌های آن روزگار منطبق تر است. چون آراء گذشتگان در فضای تعصب‌آلود قرون وسطی نوشته شده و در آن فضا اروپاییان نسبت به واقعیت‌های حاکم در دنیای اسلام، جاهل بودند. دلائل ارائه شده توسط مستشرقان مسائل زیر است:

از یاد نسبی جمعیت اروپاییان، رقابت پاپ با امپراطورهای اروپا، پیشرفت نفوذ پاپ پس از اصلاحات پاپ گرگوار هفتم، جلوگیری از پیشرفت ترکان سلجوقی و روسیه و جلوگیری از سقوط قسطنطنیه و ورود به شبه جزیره بالکان، جوش و خروش شوالیه‌ها برای ابراز پهلوانی و قهرمانی. به نظر می‌رسد این تصویر با واقعیت‌های جنگ‌های صلیبی قابل قبول تر است.

#### پی‌نوشت

1. Gobieli
2. Raimond d Agiles
3. Foucher de charters
4. Albert d Dix

پیشروی اسلام و ترویج مسیحیت کافی نیست. بیکن در سال ۱۲۶۸ م خطاب به پاپ نوشت: «راه صحیح انتشار مسیحیت این است که مردمان مسیحی سعی کنند حقیقت دین خویش را به کافران (یعنی مسلمانان) بفهمانند و این از طریق وعظ و تبلیغ مسیر می‌شود و برای دعوت و تبلیغ درست باید وسایل کار در دست داشت که عبارت باشد از دانستن زبان اقوام دیگر و کاملاً آشنا بودن با انواع عقاید ایشان و تمییز دادن آن انواع با یکدیگر و دانستن طریقه‌ی صحیح استدلالی که بدان هر عقیده را بتوان رد کرد و عیب کار مسیحیان در این است که این وسایل را در دست ندارند».

در مقایسه‌ی هم‌خوانی و ناهم‌خوانی تصویر مورخان معاصر جنگ‌های صلیبی و مستشرقان از علل جنگ‌ها به نظر می‌رسد تصویری که مستشرقان ارائه می‌دهند در بخشی از آثار متفاوت از معاصران جنگ‌هاست و مستشرقان تلاش کردند خود را از تصویری که معاصران جنگ‌ها ارائه داده‌اند، جدا کنند. با وجود این تلاش به نظر می‌رسد هر دو گروه موضوع اسلام را به عنوان یکی از عوامل این جنگ‌ها مطرح می‌کنند برخی از اینان مسأله اسلام را که در مدت چندین سده موجب وحشت پیروان مسیح شده و اروپا را در زمینه‌های فکری، سیاسی و اقتصادی به‌طور جدی تهدید می‌کرده است و همچنین واکنش مسیحیان را نسبت به آن، خواه به صورت ستیزه فکری و یا در قالب جنگ صلیبی، بخشی از نزاع دیرینه‌ی شرق و غرب دانسته‌اند. از جمله یاسیرس معتقد است که مغرب زمین از زمان یونانیان اساس بقای خود را در تضاد و رویارویی غرب و شرق نهاده است. تضاد غرب و شرق از زمان هردوت (حدود ۴۸۴-۴۲۵ ق م) به عنوان تقابلی ظاهراً ابدی مطرح شده و همواره به صور گوناگون نمایان گردیده است. یونانیان و ایرانیان، تقسیم شدن امپراطوری روم غربی و شرقی، تجزیه مسیحیت به شرقی

